



نویسنده: انس رایسس «Anis Raiss» .

منبع نشر و تاریخ: کریدل «2025-07-10» .

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

«سپر ابراهیم»: حمله برق‌آسای بعدی اسرائیل

'Abraham Shield': Israel's next big blitzkrieg

سپر ابراهیم مطمئناً یک نیست، بلکه یک طرح جنگی است که در پوشش روابط عمومی مبتنی بر ثبات و رفاه متقابل قرار دار طرح صلح دارد.

theAbraham Shield is certainly not a peace plan, but rather a war blueprint cloaked in the PR language of mutual stability and prosperity.



Photo Credit: The Cradle

چند روز پس از جنگ (12) روزه اسرائیل و ایران، رانندگان در تل‌آویو با یک بیلبورد (تابلوی بزرگ) دیجیتالی عظیم روبرو شدند که چهره‌های آشنایی در آن دیده می‌شدند: اعضای خاندان سلطنتی خلیج فارس با لباس‌های مرتب، روسای جمهور عرب با کت و شلوارهای اتوکشیده، همگی زیر یک پرچم جسورانه - اتحاد ابراهیم - گرد هم آمده بودند.

هیچ توضیحی در مورد اینکه چه کسی رسماً آن را امضا کرده است، وجود نداشت و هیچ توضیحی در مورد "مشاوره‌های جاری" داده نشده بود. تصویر هیچ تمایزی قائل نمی‌شد. پیام واضح بود: چه رسماً اعلام شده باشد و چه مخفیانه با آن متحد شده باشند، این دولت‌ها از قبل در چشم‌انداز منطقه‌ای دولت اشغالگر ثبت نام کرده بودند.

سال‌هاست که دولت‌های عربی هر دو طرف را بازی کرده‌اند - بیانیه‌های همبستگی با فلسطین صادر می‌کنند، در حالی که حریم هوایی، اطلاعات و سرمایه‌گذاری‌ها را با تل‌آویو هماهنگ می‌کنند. عربستان سعودی بارها ادعا می‌کند که بدون اقدام در مورد تشکیل کشور فلسطین، عادی‌سازی نخواهد کرد، حتی با وجود اینکه جت‌های اسرائیلی در آسمان آن پرواز می‌کنند و هیئت‌های تجاری بی‌سروصدا رد و بدل می‌شوند.

آیا این بیلبورد حقیقت را آشکار کرد؟ یا صرفاً آنچه را که مدت‌ها انکار می‌شد، تأیید کرد؟ طرح پشت بیلبورد این یک نمایش روابط عمومی نبود. این رونمایی عمومی از استراتژی تبدیل غزه به یک آزمایشگاه کنترل‌شده، وادار کردن کشورهای عربی به اتحاد ضد ایران و ترسیم مجدد مرزها بدون جنگ یا مذاکره - فقط با قدرت و همدستی - بود.

نقشه پشت این بیلبورد شایعه نیست، بلکه یک سند سیاست رسمی است که در ماه مارس توسط بیش از ۱۰۰ ژنرال، مقام اطلاعاتی و دیپلمات سابق اسرائیلی تهیه شده است. شعارهای «ثبات» و «رفاه مشترک» آن که «سپر ابراهیم» نامیده می‌شود، طرحی برای گسترش پروژه اسرائیل بزرگ را پنهان می‌کند.

به عبارت ساده، این طرح آپارتاید را نهادینه می‌کند، حذف جمعیتی را در غزه مهندسی می‌کند و فلسطین را به عنوان یک منطقه محصور آرام که توسط نیروهای نیابتی اداره می‌شود، دوباره بسته‌بندی می‌کند.

این طرح شش ستون را مشخص می‌کند: دگرگونی غزه - ریشه کن کردن حماس و ایجاد یک قدرت انتقالی تحت کنترل خارجی با حمایت نیروهای امنیتی خارجی؛ غیرنظامی‌سازی - یک دهه یا بیشتر از مرزهای بسته، خلع سلاح و نظارت دیجیتال، تبدیل غزه به یک منطقه مهار تحت نظارت؛ بازسازی اقتصادی - وابسته به یک اقتصاد بدون پول نقد و تحت کنترل بیومتریک که برای پاداش دادن به تسلیم و مجازات مخالفان طراحی شده است؛ یک ائتلاف اجرایی منطقه‌ای - "اتحاد ابراهیم" که در آن کشورهای عربی تلاش‌های اطلاعاتی و سرکوب را با اسرائیل هماهنگ می‌کنند؛ سوریه به عنوان

یک حائل - طرحی صریح برای تغییر رژیم در جنوب و یک کریدور امنیتی اسرائیل برای شکستن حاکمیت سوریه و مهار ایران؛ مهار ایران - یک استراتژی ترکیبی از تحریم‌ها، خرابکاری، ترورها و انزوای دیپلماتیک برای از بین بردن نفوذ منطقه‌ای ایران.

از حماسستان تا آبراهامستان: فرهنگ لغت اشغال سپر ابراهیم نه تنها یک پروژه صرفاً ارضی است، بلکه یک پروژه معنایی نیز هست.

جورج اورول در کتاب خود، "1984"، توضیح داد که چگونه زبان برای از بین بردن جایگزین‌ها به سلاح تبدیل می‌شود. نوام چامسکی، استاد و محقق آمریکایی، این را تولید رضایت نامید. در لفاظی‌های این سپر، غزه دیگر یک سرزمین اشغالی و محاصره شده نیست.

به عنوان "حماسستان" نامگذاری شده است - یک آزمایش شکست خورده که تخریب آن هم موجه و هم فضیلت است. بنیامین نتانیا هو، نخست وزیر اسرائیل، خود اعلام کرد که «حماسستانی وجود نخواهد داشت» و این، فرضیه ایدئولوژیک پشت نابودی غزه را آشکار کرد.

طنز ماجرا کاملاً آشکار است. بیش از یک دهه، اطلاعات اسرائیل بی‌سروصدا از حماس حمایت کرد، نه از روی حمایت، بلکه از روی استراتژی - با سوءاستفاده از تفرقه برای از هم پاشیدن وحدت فلسطینیان. موساد انتقال پول نقد قطر را تحت پوشش کمک‌های بشردوستانه هماهنگ کرد، که در واقع یک رقیب داخلی کنترل شده برای فتح رانتبیت کرد.

همین استراتژی اکنون برای توجیه نابودی غزه مورد استفاده قرار می‌گیرد. سند سپر، غزه را «غیرقابل اداره» معرفی می‌کند و خواستار بازسازی آن تحت نظارت اسرائیل و منطقه‌ای است.

کلماتی مانند «آزادسازی» و «بازسازی» صفحات آن را پر کرده‌اند. بمباران‌ها به عنوان «عملیات برای بازگرداندن نظم مدنی» بازسازی می‌شوند. ایست‌های بازرسی بیومتریک به عنوان «تحرک امن» قاب‌بندی می‌شوند. آوارگی گسترده به «جابجایی موقت بشردوستانه» تبدیل می‌شود.

این یک استراتژی است و هیچ ارتباطی با معناشناسی ندارد. اشغال به عنوان نجات پوشانده می‌شود و پاکسازی قومی از طریق واژگان پیشرفت شسته می‌شود.

در این ویران‌شهر، نابودی زندگی سیاسی فلسطینیان نه به عنوان تشدید، بلکه به عنوان اصلاح به تصویر کشیده می‌شود. نتیجه؟ آبراهامستان - آینده‌ای که در آن تسلیم و عادی‌سازی به عنوان صلح معرفی می‌شوند.

همبستگی در مقابل دوربین، تسلیم در سیاست

کشورهای عربی اکنون در ناهما هنگی شناختی کامل عمل می‌کنند و جنایات جنگی دولت اشغالگر را در مقابل دوربین محکوم می‌کنند در حالی که سیاست‌های آپارتاید آن را در خفا تأیید می‌کنند - تزویری که پنهان نیست و حتی مورد ستایش قرار می‌گیرد.

همانطور که مارشال مک‌لوهان، نظریه‌پرداز ارتباطات، هشدار داد، «رسانه، پیام است». اما در جهان عرب، پیام به چیزی که ژان بودریار، جامعه‌شناس، آن را فراواقعی می‌نامد، تبدیل می‌شود - نمایشی که از خود حقیقت قانع‌کننده‌تر است.

عربستان سعودی استاد این نمایش است. ریاض اصرار دارد که بدون تشکیل کشور فلسطین، عادی‌سازی روابط امکان‌پذیر نیست. در همین حال، هواپیماهای اسرائیلی آزادانه از حریم هوایی عربستان عبور می‌کنند و روابط اقتصادی از طریق واسطه‌ها تعمیق می‌یابد. حتی چرخش دیپلماتیک اخیر به سمت ایران، که به عنوان تنظیم مجدد استراتژیک مورد ستایش قرار گرفته است، در عمل اجرای تعادل در عین حفظ کانال‌ها با تل‌آویو است.

امارات متحده عربی حتی از تظاهرات نما دین نیز دست کشیده است. از زمان توافق ابراهیم، شرکت‌های اماراتی میلیون‌ها دلار در فناوری نظارت و سلاح‌های اسرائیلی سرمایه‌گذاری کرده‌اند. در سال ۲۰۲۳، همزمان با بمباران غزه، عبدالله بن زاید، وزیر امور خارجه امارات، وقایع را «عمیقاً نگران‌کننده» توصیف کرد و همزمان از یک هیئت تجاری اسرائیل در ابوظبی استقبال کرد.

مراکش حتی پا را فراتر گذاشته است. در اوایل سال ۲۰۲۴، این کشور رزمایش‌های نظامی مشترکی را با تیپ گولانی اسرائیل - واحدی که متهم به ارتکاب جنایات جنگی است - تحت عنوان «ظرفیت‌سازی فنی» برگزار کرد.

همسویی مصر ساختاری‌تر است. دولت تحت ریاست جمهوری عبدالفتاح السیسی با بیش از ۲۰ میلیارد دلار وام صندوق بین‌المللی پول (IMF) دست و پنجه نرم می‌کند و برای تأمین برق شبکه خود به واردات گاز اسرائیل وابسته است. در ملاء عام، از «زیاده‌روی‌های» تل‌آویو ابراز تاسف می‌کند. در خفا، امنیت سینما را هماهنگ می‌کند و گذرگاه رفح را مسدود می‌کند.

اردن مقاومت خود را در برابر کاسپلی تیک تاک کاهش داده است. شیرین‌کاری‌های به‌شدت طراحی‌شده‌ی شاه عبدالله دوم اردن - پریدن از خودروهای زرهی، شلیک تفنگ و ژست گرفتن به‌عنوان فرمانده میدانی - یک واقعیت شرم‌آور را پنهان می‌کند.

در یک ویدیوی ویروسی که به‌طور گسترده توسط رسانه‌های منطقه‌ای منتشر شد، گفته می‌شود که بواز بیسموت، رئیس کمیته امنیت ملی اسرائیل، با افتخار گفته است: «ما می‌توانیم

پادشاه اردن را نیمه‌شب بیدار کنیم تا دستورات ما را اجرا کند.» اگرچه تل آویو این بیانیه را تأیید نکرده است، اما محبوبیت آن نشان دهنده این برداشت منطقه‌ای است که پادشاهی اردن دیگر با استقلال واقعی عمل نمی‌کند.

یک بیلبورد در دمشق

حتی در سوریه، بقایای شورشیان به کار گرفته می‌شوند. در ماه مه، احمد الشرع، رئیس جمهور موقت و رئیس سابق هیئت تحریر الشام (HTS) وابسته به القاعده که با نام مستعار ابو محمد الجولانی شناخته می‌شد، به یک رسانه جامعه یهودی در دمشق گفت که دولت او، که ریشه عمیقی در افراطگرایی سنی دارد، و اسرائیل «دشمنان مشترکی» دارند.

یک ماه بعد، رئیس ستاد ارتش اسرائیل در جنوب سوریه در بحبوحه گزارش‌هایی از مذاکرات غیرمستقیم عادی‌سازی روابط مشاهده شد. حتی خاکستر مقاومت نیز در معماری عادی‌سازی بازیافت می‌شود. این مسیر زمانی تثبیت شد که یک بیلبورد در مرکز دمشق ظاهر شد و الشرع را با دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، تحت شعار «رهبران قوی صلح می‌کنند» جفت کرد.

پیر بورديو، جامعه‌شناس فرانسوی، این پدیده را خشونت نمادین نامید - تحمیل یک جهان‌بینی چنان تمام‌عیار که خود را به عنوان حقیقت پنهان می‌کند. این منطق سپر ابراهیم است. دولت‌های عرب شعار آزادی سر می‌دهند در حالی که سلب مالکیت را تسهیل می‌کنند - و آشکارا این خیانت را به عنوان عمل‌گرایی معرفی می‌کنند.

----- **با احترام «2025-07-21»**